

قانون اصول مجازات جزائی واستر داد مجرمین

۲ - تعلیق دعوی جزائی تا صدور حکم قطعی از محکمه حقوقی «موارد اناطه»

دعوی دفاعی در تقصیر و عدم تقصیر متهم مؤثر نباشد دیگر صدور قرار توقیف و تعلیق مجازات مجوزی نخواهد داشت .

۳ - دعوی دفاعی باید مقرون بشوهد و قرآن باشد که بتوان آنها را قبل رسیدگی در محکمه حقوق دانست و الا صرف اظهار ادعای متهم بدون هیچگونه دلیل باعث توقیف مجازات نخواهد شد .

۳ - دعوی حقوقی باید سرریحاً بعنوان مدافعه در محکمه اظهار شود و متهم بان استناد کند و الا احتمال وجود چنین ادعایی موجب توقیف تعقیب جزائی نخواهد شد .

اگر دعوی حادث مقرون بشروط فوق باشد مستنطق یا محکمه بدون احتیاج بتقاضای اصحاب دعوی میتواند قرار توقیف و تعلیق مجازات را صادر نماید .

برای اقامه دعوی حادث در محکمه حقوق محکمه جزا میتواند بلکه ملزم است که ضمن قرار توقیف ضرب الاجلی معین نماید . پس از انقضای مدت محکمه متهم را برای تعقیب و مجازات احضار مینماید .

اگر دعوی حقوقی در مدت معینه در محکمه صالحه اقامه ولی هنوز تمام نشده باشد باز جریان مجازات حاصل نتیجه قطعی مجازات حقوقی معلق مینماید .

بر عکس در صورت عدم مراجعه مدعی علیه به محکمه حقوق دیگر مهلت جدیدی باز داده نشده و محکمه جزا دعوی اصلی را رسیدگی نموده حکم خواهد داد .

اگر ضمن تعقیب و مجازات جزائی متهم بعنوان دفاع اظهار ادعائی نماید که رسیدگی بان از صلاحیت محکمه جزا خارج و بهلاره مؤثر در تشخیص صحت و سقم دعوی اصلی باشد در این صورت مستنطق یا محکمه تعقیب یا مجازات را موقوف و معلق میدارند تا مدعی علیه دعوی حقوقی را در محکمه صالحه اقامه نماید ولی پس از صدور حکم قطعی محکمه حقوق دعوی اصلی جزائی مجدداً مطرح و تعقیب خواهد شد .

ماده ۱۷ اصول مجازات جزا میگوید « هر گاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به اثباتی که مجازات و ثبوت آن از خصائص مجازات حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزائی تعقیب نمیشود و اگر تعقیب شده معاق مینماید تا حکم قطعی از محکمه حقوق صادر شود » .

پس اگر کسی بجرم تغییر حد فاصل بین دو ملک تعقیب شود و ضمن دفاع منکر مالکیت شاکی شده و خود را مالک بداند در این صورت چون تشخیص صحت و سقم دعوی مالکیت او مؤثر در دعوی اصلی است و باید ابتدا بان رسیدگی شود لذا مستنطق یا محکمه مجازات را تا زمان حصول نتیجه قطعی نسبت بدعوی مالکیت در محکمه حقوق موقوف میدارد ولی پس از صدور حکم قطعی از محکمه حقوق مجازات جزائی تعقیب خواهد شد .

شرایط تعلیق تعقیب جزائی

تعلیق و توقیف تعقیب یا مجازات تا صدور حکم قطعی از محکمه حقوق باید مقرون بچند شرط باشد :

۱ - احراز تقصیر متهم حقیقاً و موکول بر رسیدگی قبلی دعوی دفاعی باشد اگر بنظر محکمه اثبات

چیران ضرر بدو قسم تصور میشود:

- ۱ - بطور مستقیم بوسیله رد مال یا عودت دادن وضعیت بحال قبل از وقوع جرم مثل رد مال مسروقه و یا عودت دادن وضعیت حد فاصل دو ملک بحالت سابق.
- ۲ - اگر نلافی ضرر بطور مستقیم ممکن نباشد باید آنرا بطور غیر مستقیم بوسیله عوض چیران نمود در این صورت بدل مساوی با خسارت وارده یا منهدم فوت شده در اثر وقوع جرم بوده و شامل مخارجی که شاکی خصوصی برای تعقیب امر و محاکمه نموده نیز می باشد.

ماده ۲ قانون مجازات عمومی بر این معنی صراحت دارد.

ماده ۱۰۰ « مجرم باید مالی را که بواسطه جرم تحصیل کرده است (مثل اموال مسروقه و غیره) اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آنرا بصاحبش بدهد و از عهده خسارتی که وارد آمده است بر آید.»

بین دو وسیله چیران خسارت شاکی خصوصی فرق عمده موجود میباشد.

در طریق اول محکمه جزاء موظف است تکلیف اشیائی که از جرم بدست آمده معین نماید بدون اینکه برای این اقدام تقاضای شاکی خصوصی لازم باشد. اگر محکمه ضمن رسیدگی و صدور حکم تصمیمی راجع باین قبیل اموال اتخاذ نکند بعداً میتواند تکلیف آنها را معین کند. مثلاً حکم استرداد یا ضبط شدن و یا از بین بردن آنها را صادر نماید و این نکته از ماده ۱۰۰ قانون مجازات عمومی مستفاد میشود چه ساده حق بور مقرر میدارد که در تمام امور جزائی محکمه باید در ضمن حکم راجع بجرم یا پس از آن نسبت باشیائی که از جرم تحصیل شده حکم خصوصی صادر نماید.

ممکن است که دعوی دفاعی از صلاحیت خود محکمه جزا و مؤثر در تشخیص تقصیر و عدم تقصیر متهم باشد در این صورت محکمه قبل از طرح دعوی اصلی بدعوی حادث رسیدگی خواهد نمود. مثلاً در مورد جرم کلاه برداری اگر طرف جرم قبل از تعقیب و محاکمه نسبت دهنده را بعنوان مقربی تعقیب کند نسبت دهنده میتواند برای دفاع از خود مدعی صحت نسبت کلاه برداری بشاکی بشود. در این مورد محکمه جزا ابتدا بدعوی (جرم کلاه برداری) رسیدگی نموده سپس بادر نظر گرفتار نتیجه حاصله از آن نسبت بدعوی اصلی تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

خلاصه اعم از اینکه دعوی حادث از صلاحیت محاکم جزا یا محاکم حقوق باشد رسیدگی آن مقدم بر رسیدگی بدعوی اصلی بوده و تا نتیجه آن معلوم نشود محکمه جزا نمیتواند نسبت بدعوی اصلی اقدامی کند به علاوه همینکه محکمه قرار توقیف و تعلق محاکمه را صادر نمود دیگر نمیتواند بدعوی جزائی رسیدگی کند و باید موضوع را بهمان حال باقی بگذارد تا نتیجه قطعی محاکمه حقوقی نسبت به دعوی حادث معلوم نگردد.

دعوی خصوصی

بطوری که گفته شد جرم موجب ایجاد دو حق و در نتیجه دو دعوی میگردد:

حق هیئت اجتماعه در تنبیه و سیاست مجرم (دعوی عمومی) و حق زیان دیده از جرم در نلافی ضرری که عمل خلاف قانون مجرم سبب آن شده است (دعوی خصوصی) می باشد.

بنابر این دعوی خصوصی دعوی است که متضرر از جرم برای چیران خسارت خود اقدام مینماید (ماده ۹ اصول محاکمات جزاء).

موضوع دعوی خصوصی

موضوع دعوی خصوصی چیران خسارت میباشد.